

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

235

Case No. 208

Date of filing: 15. Jun 88

**** AWARD**

- Type of Award

Final

- Date of Award

15 Jun 88

_____ pages in English

39

pages in Farsi

**** DECISION**

- Date of Decision

_____ pages in English

_____ pages in Farsi

**** CONCURRING OPINION** of _____

- Date

_____ pages in English

_____ pages in Farsi

**** SEPARATE OPINION** of _____

- Date

_____ pages in English

_____ pages in Farsi

**** DISSENTING OPINION** of _____

- Date

_____ pages in English

_____ pages in Farsi

**** OTHER; Nature of document:** _____

- Date

_____ pages in English

_____ pages in Farsi

AWARD

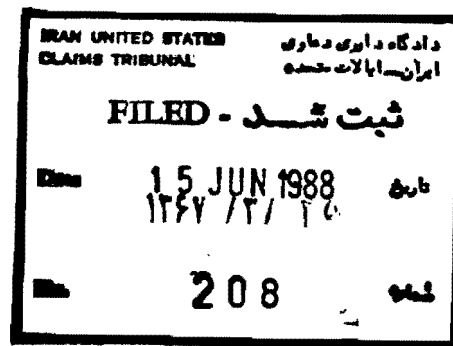
Case No: 208

Chamber Two

پرونده شماره ۲۰۸

شعبه دو

حکم شماره ۲-۲۰۸-۳۶۹



بندیکس کورپوریشن،
بندیکس اینترنشنال سرویس کورپوریشن،
خواهانها،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،
شرکت پشتیبانی و نوسازی هلی کوپتر ایران،
صنایع هواپیمایی ایران،
نیروی هوایی ایران، و نیروی دریایی ایران،
خواندگان.

_____ حکم _____

حاضران :

از جانب خواهان : آقای مارتین پاسکوف
وکیل خواهان،
آقای آلن سیلبرمن
مدیر امور مالی بین‌المللی خواهان،

از جانب خوانندگان: آقای محمد کریم اشراق
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
دکتر اکبر شیرازی
مشاور حقوقی نماینده رابط،
آقای حسین پیران
مشاور حقوقی نماینده رابط،
آقای محمد تقی مغیثی
نماینده صنایع دفاع،
آقای دبیر دریایی بلوردی
نماینده صنایع دفاع،
آقای محمد باقر عزیز محمد
کارشناس فنی صنایع دفاع،
آقای منیرالدین امامی
نماینده وزارت دفاع،
آقای آزاده ایمانی
کارشناس فنی نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران،
آقای یحیی پاویز
وکیل نیروی دریایی،
آقای محمد صف آرا
مشاور مالی نیروی دریایی.

سایر حاضران: آقای تیموثی ریمیش
نماینده رابط ایالات متحده آمریکا.

اول - مقدمه

۱ - خواهانها، بندیکس کورپوریشن ("بندیکس") و شرکت فرعی تماما" متعلق به آن، بندیکس اینترنشنال سرویس کورپوریشن ("بیسکو") که هر دو شرکتهای ایالت دلهور هستند، در تاریخ ۲۱ دیماه ۱۳۶۰ [۱۱ ژانویه ۱۹۸۲] دادخواستی ثبت و ضمن آن، براساس ده فقره ادعا، مجموعاً ۱،۱۲۹،۴۹۱/۰۶ دلار امریکا به اضافه بهره، از خواندگان، جمهوری اسلامی ایران ("ایران") شرکت هواپیمایی ملی ایران، شرکت پشتیبانی و نوسازی هلی کوپتر ایران ("پنها")، صنایع هواپیمایی ایران ("صنایع هواپیمایی")، نیروی هوایی ایران ("نیروی هوایی") و نیروی دریایی ایران ("نیروی دریایی") مطالبه نمودند.

۲ - در اولین ادعای مطروح توسط بیسکو علیه پنها، مبلغ ۱۲۱،۹۵۱/۰۵ دلار امریکا به اضافه بهره متعلقه، بابت خسارت عدم پرداخت ادعایی ۱۵ فقره صورتحساب صادره برای خدمات ارائه شده توسط دو نفر نماینده سیار بیسکو، برای پشتیبانی سیستمهای تسلیحات هلی کوپترهای پنها در ایران، مطالبه شده است. پنها فقط در مورد شش فقره از این صورتحسابها قبول مسئولیت کرده است.

۳ - دومین ادعای مطروح توسط بندیکس علیه پنها، به مبلغ ۴۹،۳۲۳/- دلار امریکا به اضافه بهره متعلقه است، و حسب ادعا ناشی از لغو قرارداد فروشی است که به موجب آن، قرار بوده پنها قطعات و لوازم هواپیمایی ساخت بندیکس را خریداری نماید. پنها لغو قرارداد را انکار نموده، اظهار می‌دارد که این بندیکس بود که با عدم تحویل قطعات و لوازم، قرارداد را نقض کرد. پنها در تاریخ ۲۶ فروردین ماه ۱۳۶۱ [۱۵ آوریل ۱۹۸۲] ادعای متقابلی بابت این نقض ادعایی قرارداد و همچنین بابت نقض قرارداد در مورد ۳۷ فقره قرارداد فروش دیگر، به دلیل عدم تحویل

اجناس، علیه بندیکس به ثبت رساند. پنها خواستار تحویل کالاها به قیمت قید شده در قرارداد و پاره‌ای خسارات نقدی است. بندیکس به صلاحیت دیوان نسبت به ۳۷ فقره قرارداد فروش یاد شده ایراد گرفته، اظهار می‌دارد که این پنها بود که کلیه ۳۸ فقره قرارداد و از جمله، قراردادی را که مبنای ادعای بندیکس در این پرونده است، لغو کرد. در صورتیکه دیوان نسبت به ادعای متقابل مربوط به ۳۷ قرارداد دیگر احراز صلاحیت نماید، بندیکس به نوبه خود، ادعای متقابلی در برابر ادعای متقابل پنها، به مبلغ ۷۲،۶۰۰ دلار آمریکا به اضافه بهره متعلقه، بابت خسارت عدم النفع مربوط به این قراردادها اقامه نموده است.

۴ - ادعای سوم، ادعایی است بابت نقض قرارداد و به مبلغ ۳۰،۳۷۲ دلار آمریکا، که توسط بندیکس علیه شرکت هواپیمایی ملی ایران مطرح شده است. ادعای مزبور با ادعای متقابل مربوطه، طی موافقت نامه حل و فصلی که طرفین در هفتم تیرماه ۱۳۶۳ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۴] منعقد ساختند، فیصله یافت و لذا دیوان، طی دستور مورخ ۲۸ تیرماه ۱۳۶۳ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۴] و به موجب درخواست مشترک طرفین، بدان خاتمه بخشید.

۵ - در چهارمین ادعا که توسط بندیکس علیه صنایع هواپیمایی مطرح شده، خسارتی به مبلغ ۵،۸۵۹/۳۷ دلار آمریکا به اضافه بهره متعلقه، مطالبه شده است. ادعای مزبور بابت عدم پرداخت ادعایی نه فقره صورتحساب صادره توسط بندیکس بابت قطعات مختلف هواپیمای مورد سفارش صنایع هواپیمایی است که بنا به اظهار بندیکس، نامبرده آنها را تولید کرده و تحویل داده است. صنایع هواپیمایی طی لوایح خود، دریافت قطعات را انکار کرده است.

۶ - بندیکس ادعاهای پنجم، ششم، هفتم و هشتم را علیه نیروی هوایی اقامه کرده است.

این چهار فقره ادعا که جمعا به مبلغ ۷۳۸/۷۸، ۱۹۰ دلار امریکا است، از موارد زیر ناشی شده است: (۱) عدم پرداخت ادعایی پنج فقره صورتحساب توسط نیروی هوایی، که طبق قرارداد فروش قطعات هواپیما صادر شده و بنا به اظهار بندیکس، قطعات مزبور تولید و تحویل گردیده است (ادعای شماره شش)، و (۲) نقض ادعایی یک سلسله قراردادهای فروش ناشی از سفارشات خرید نیروی هوایی که طبق آنها، قرار بود نیروی هوایی اقلام مختلف ساخت بندیکس را خریداری نماید (ادعاهای شماره پنج، هفت و هشت). نیروی هوایی دریافت کلیه قطعات موضوع ادعای شماره شش را انکار کرده، اظهار می‌دارد که وی سفارشات موضوع ادعاهای شماره پنج و هفت و هشت را پس از آنکه خود بندیکس قراردادهای را نقض کرد، فسخ نمود. نیروی هوایی مضافاً در ۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۱ [۱۹ آوریل ۱۹۸۲] ادعای متقابلی به مبلغ ۲۰۰،۰۰۰/- دلار امریکا به اضافه بهره متعلقه، بابت خسارات متحمل ادعایی ناشی از عدم ارسال قطعات، اقامه کرد.

۷ - نهمین ادعای پرونده حاضر، به مبلغ ۷۲۱،۴۶۹/۹۱ دلار امریکا، توسط بندیکس علیه نیروی دریایی مطرح شده و ناشی از ترتیبات قراردادی جهت خرید و فروش سیستم‌ها و قطعات صوتی هلی کوپتر است. بندیکس به ویژه، خساراتی بابت موارد زیر مطالبه می‌کند: (۱) عدم پرداخت ادعایی صورتحساب اقلام خریداری شده توسط نیروی دریایی که بندیکس می‌گوید آنها را تحویل داده است و (۲) نقض ادعایی ترتیبات قراردادی توسط نیروی دریایی، که بنا به گفته بندیکس، باعث شد وی نتواند اقلام سفارشی نیروی دریایی را تحویل دهد. نیروی دریایی منکر آنست که بندیکس قطعات را تحویل داده و یا اینکه نیروی دریایی تعهدی را نقض کرده است. مضافاً، نیروی دریایی در تاریخ ۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۱ [۱۹ آوریل ۱۹۸۲] ادعای متقابلی ثبت و ضمن آن خسارتی، که میزان آن بعداً به مبلغ ۷،۴۶۰،۰۹۰/۷۵ دلار امریکا تغییر یافت، بابت خسارت ادعایی ناشی از عدم تکمیل اجرای قرارداد توسط بندیکس، مطالبه نمود.

۸ - ادعای دهم (۱) به مبلغ ۱۴،۵۸۵/۳۴ دلار آمریکا (۲) به اضافه بهره متعلقه است که خواهانها بابت ارزش اموال و اثاثه شخصی که دو نفر از کارکنان بیسکو در ایران به جای گذاردند، علیه پنها و ایران مطرح ساخته‌اند. خدمات این دو نفر، موضوع ادعای شماره یک است و حسب ادعاء نامبردگان در اواخر سال ۱۹۷۸ ناچار شدند بر اثر اعمال خلاف یا اهمال ایران و پنها، از ایران فرار کنند. خواندگان انکار می‌کنند که عمل خلاف یا اهمالی مرتکب شده‌اند.

۹ - هر دو طرف هزینه‌های داوری را مطالبه می‌کنند.

۱۰ - جلسه استماعی در روزهای ۲۴ و ۲۵ آذرماه ۱۳۶۶ [۱۵ و ۱۶ دسامبر ۱۹۸۷] برگزار شد.

دوم - یافته‌های کلی دیوان در مورد صلاحیت

۱۱ - خواهان، بندیکس، که یک شرکت سهامی عام ایالت دله‌ور است، ادله و مدارکی، از جمله گواهی حسن شهرت تجاری و نسخ گواهی شده صفحات ذیربط وکالتنامه‌های حق راعی صادره در دوره ذیربط ارائه نموده است که از نظر دیوان، به نحو قانع کننده‌ای ثابت می‌کند که بندیکس، به شرح مندرج در بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و

(۱) در حکم حاضر، شماره‌گذاری ادعاهای به همان ترتیبی است که طرفین به کار برده‌اند. باتوجه به یکسان بودن طرفین و سابقه ادعاهای شماره یک و ده، این دو ادعا توأماً مورد بحث قرار خواهد گرفت.

(۲) مبلغی که بدو "ادعا شده" ۹،۷۷۷/- دلار آمریکا بود که طی لایحه مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۸۲ [۲۲ مهرماه ۱۳۶۱] خواهانها، به رقم حاضر تغییر یافت.

فصل دعاوی، تبعه ایالات متحده است. مدارک دیگری، از جمله گواهی حسن شهرت تجاری و گزارش حسابرسی گواهی شده یک موسسه مستقل حسابرسی، ثابت می نماید که بیسکو، یک شرکت ایالت دله ور و شرکت فرعی تماما متعلق به بندیکس نیز، تبعه ایالات متحده می باشد.

۱۲ - اختلافی در این مورد نیست که خوانندگان مشمول تعریف "ایران" به شرح مندرج در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی هستند.

۱۳ - دیوان همچنین بر این نظر است که ادعاهای مطروح، الزامات صلاحیتی بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی را به عنوان ادعاهای "ناشی از دیون، قراردادهای ... ضبط اموال و یا هر اقدام دیگری که موثر در حقوق مالکیت باشد"، احراز می کنند.

۱۴ - بنابراین، دیوان بر این نظر است که نسبت به کلیه ادعاهای، به استثنای قسمتی از ادعای شماره نه که موضوعات خاص صلاحیتی مربوط به آن، به طور جداگانه در بخش ششم زیر مورد بحث واقع خواهد شد، صلاحیت دارد.

۱۵ - دیوان همچنین بر این نظر است که ادعای متقابل نیروی هوایی نیز الزامات صلاحیتی بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی را احراز نموده، ادعای متقابلی است "ناشی از قرارداد فیما بین، معامله یا پیش آمدی که مبنای ادعای اصلی را تشکیل می دهد.

۱۶ - موضوعات صلاحیتی ویژه ای که به ادعاهای متقابل پنها در برابر ادعای شماره دو و ادعای متقابل نیروی دریایی در برابر ادعای شماره نه مربوط می شود، به ترتیب در قسمت های چهارم و ششم زیر، به طور جداگانه مورد بحث واقع خواهند شد.

سوم - ادعاهای شماره یک و ده

الف - واقعیات

۱۷ - در تاریخ سوم فروردین ماه ۱۳۵۷ [۲۳ مارس ۱۹۷۸] بیسکو و پنها قراردادی منعقد کرده، بدانوسیله، توافقی را که قبلاً بدان عمل می‌کردند، به صورت کتبی درآوردند. به موجب این قرارداد، بیسکو می‌بایست خدماتی توسط دو نفر نماینده فنی سیار برای پشتیبانی سیستم های تسلیحاتی هلی کوپتر پنها، در اختیار نامبرده قرار دهد. در قرارداد مقرر شده بود که نرخ خدمات یک نماینده سیار در اصفهان ماهانه ۸،۰۳۵/- دلار امریکا و نرخ خدمات یک نماینده سیار در تهران، ماهانه ۸،۲۱۰/- دلار امریکا و مدت قرارداد از دهم تیرماه ۱۳۵۶ الی نهم تیرماه ۱۳۵۷ [اول ژوئیه ۱۹۷۷ الی ۳۰ ژوئن ۱۹۷۸] باشد که این مدت، طی اصلاحیه‌ای، از دهم تیرماه ۱۳۵۷ تا دهم دیماه ۱۳۵۷ [اول ژوئیه ۱۹۷۸ الی ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸] تمدید شد. در ماده ۹ (ب) قرارداد همچنین قید شده بود که پاره‌ای هزینه‌های متحمل توسط نمایندگان فنی سیار، بازپرداخت گردد. در شرط پرداخت ذیل ماده ۹ (ج) قرارداد، تصریح شده بود که به مجرد تسلیم صورتحسابهای معتبر، که به گواهی مدیریت تعمیرات و نگهداری پنها رسیده باشد، پرداخت انجام خواهد شد.

۱۸ - دو نفر از کارکنان بیسکو، بنام آقای ایتن پاول و آقای جرج کرومیاک برای انجام خدمات مقرر در قرارداد به ایران اعزام شدند. بیسکو اظهار می‌دارد که خدمات مقرر تا آخرین هفته ماه دسامبر ۱۹۷۸ که کارمندان مزبور ایران را ترک کردند، انجام گردید. در این زمان شدت موج انقلاب، حسب ادعای کارکنان را نگران امنیت جانی خویش ساخته بود و تیمسار ایرانی سرپرست قسمت، به یکی از کارکنان توصیه

کرده بود که در آخرین هفته اجرای قرارداد سر کار حاضر نشود.

۱۹ - از ششم مردادماه ۱۳۵۷ الی ۲۴ بهمن ماه ۱۳۵۷ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۸ الی ۱۳ فوریه ۱۹۷۹] بیسکو هفت فقره صورتحساب، هریک به مبلغ ۸,۰۳۵/ـ دلار امریکا (۳) و هفت فقره صورتحساب دیگر، هریک به مبلغ ۸,۲۱۰/ـ دلار امریکا بابت خدماتی که دو نفر کارمندش از ۱۱ خردادماه ۱۳۵۷ [اول ژوئن ۱۹۷۸] لغایت دسامبر ۱۹۷۸ ارائه کرده بودند، صادر نمود. در پائیز ۱۹۷۸ پنها شش فقره صورتحساب اول بابت خدمات ارائه شده در ماههای ژوئن، ژوئیه و اوت ۱۹۷۸ را برای پرداخت گواهی کرد. بندیکس همچنین در اول دیماه ۱۳۵۷ [۲۲ دسامبر ۱۹۷۸] صورتحسابی به مبلغ ۸,۲۳۶/۰۵ دلار امریکا بابت هزینه‌های متحمل از ژوئیه ۱۹۷۷ لغایت ژوئن ۱۹۷۸ توسط دو نفر کارمند خود، صادر نمود.

۲۰ - بیسکو از اول فروردین ماه ۱۳۵۸ [۲۱ مارس ۱۹۷۹] با تسلیم یک فقره برات دیداری برابر جمع مبلغ کلیه صورتحسابها به بانک ملی ایران در نیویورک، اقداماتی جهت وصول مبلغ یاد شده، به عمل آورد. به دنبال آن، نامه‌ها و تلکس‌هایی راجع به تقاضای پرداخت، بین طرفین متبادل شد که آخرین آن، تلکس مورخ ۱۶ مهرماه ۱۳۵۸ [هشتم اکتبر ۱۹۷۹] پنها بود که طی آن، به بیسکو اعلام شد که پنها " به مجرد دریافت اصل صورتحسابهای شما، بلافاصله جهت پیگیری صورتحسابهای پرداخت نشده اقدام خواهد کرد." در ۲۰ مهرماه ۱۳۵۸ [۱۲ اکتبر ۱۹۷۹] بیسکو نامه ای برای پنها ارسال داشت که ظاهراً "نسخ کلیه ۱۵ فقره صورتحساب ضمیمه

(۳) در مورد یکی از این صورتحسابها، پنها فقط مبلغ ۷,۶۳۳/۲۵ دلار آنرا جهت پرداخت گواهی کرد و بیسکو درستی این اصلاح را پذیرفت.

آن بود. اختلافی بین طرفین نیست که صورتحسابهای مزبور، جمعا به مبلغ ۱۲۱،۵۴۹/۳۰ دلار امریکا، پرداخت نشده باقی مانده است.

۲۱ - پس از آنکه آقایان پاول و کرومیاک در دسامبر ۱۹۷۸ ایران را ترک کردند، بندیکس و بیسکو بابت تسویه مطالبات آنها برای اموال و ائانه شخصی که در ایران به جای گذارده بودند، کلاً مبلغ ۱۴،۵۸۵/۳۴ دلار امریکا به ایشان پرداخت کردند. (۴) بیسکو و بندیکس ادعای شماره ده را بابت استرداد این مبلغ، علیه پنها و ایران مطرح ساخته‌اند.

ب - ماهیت ادعاها

۲۲ - در ادعای شماره یک، پنها تصدیق کرده است که مسئول پرداخت مبلغ ۴۸،۳۳۳/۲۵ دلار امریکا بابت شش فقره صورتحساب خدمات انجام شده در تابستان سال ۱۳۵۷ است، که آنها را در پاییز ۱۳۵۷ جهت پرداخت گواهی کرده بود. لکن پنها اظهار می‌دارد که هشت فقره صورتحساب بعدی توسط وی گواهی نشده و لذا اکنون به موجب بند ج ماده ۹ قرارداد، به عنوان صورتحساب معتبر قابل پرداخت نیست، زیرا، بیسکو خدمات قراردادی موضوع صورتحسابهای صادره را انجام نداده است.

۲۳ - دیوان داوری ملاحظه می‌نماید که دلیل و مدرکی وجود ندارد که پنها در طول پائیز سال ۱۳۵۷ از عدم اجرای ادعایی قرارداد توسط بیسکو شکایت کرده و یا از این

(۴) پس از آنکه آقای پاول در سال ۱۹۸۰، یعنی قبل از تسویه کامل مطالباتش، از بیسکو به بندیکس منتقل شد، بندیکس بقیه خسارت وی را پرداخت. بنابراین، بندیکس اکنون ظاهراً مبلغ ۷،۷۷۷/- دلار امریکا از ادعای مورد بحث را مطالبه می‌کند.

بابت، ایرادی به گواهی صورتحسابها گرفته باشد. بعلاوه، ادله و مدارکی به دیوان ارائه شده است، مبنی بر اینکه کارکنان بیسکو تا آخرین هفته قرارداد در ایران مشغول و یا آماده انجام وظیفه بوده اند و مدرکی هم در رد این مدارک ارائه نشده است. در مورد صورتحساب مورخ اول دیماه ۱۳۵۷ [۲۲ دسامبر ۱۹۷۸] به مبلغ ۸،۲۳۶/۰۵ دلار امریکا، دیوان متذکر می شود که صورتحساب مزبور بابت هزینه های متحمل توسط کارکنان بیسکو از ژوئیه ۱۹۷۷ لغایت ژوئن ۱۹۷۸ صادر شده است. پنها نه ادعا کرده و نه مدرکی ارائه نموده که اجرای قرارداد در آن دوره نقص داشته و یا هزینه های مورد مطالبه طبق قرارداد، مجاز نبوده است. مطلبی که پنها برای اولین بار در جلسه استماع عنوان کرد، دایر بر اینکه صورتحساب مزبور به دلیل آنکه حدود شش ماه پس از دوره ذیربط صادر شده قابل ایراد است، قانع کننده نمی باشد. در قرارداد قید نشده است که صورتحساب باید در زمان خاصی صادر شود و دلیل و مدرک دیگری مبنی بر اینکه روش صدور صورتحساب صحیح نبوده است نیز، وجود ندارد.

۲۴ - بنابراین، دیوان داوری نتیجه می گیرد که پنها بابت ادعای شماره یک، به مبلغ ۱۲۱،۵۴۹/۳۰ دلار امریکا، یعنی کل مبلغ پرداخت نشده ۱۵ فقره صورتحساب، مسئول است. دیوان ملاحظه می نماید که در یکی از صورتحسابها قید شده است که پرداخت وجه باید ظرف ۳۰ روز از تاریخ صورتحساب صورت گیرد، در حالیکه در صورتحسابهای دیگر، تقاضا شده است که صورتحساب، ظرف ۳۰ روز پس از دریافت، تاعذیه گردد. مع الوصف، قرارداد و نیز مهرگواهی پنها روی شش صورتحساب مورد بحث، ظاهراً حاکی است که پرداخت وجه می بایست از طریق اعتبار اسنادی صورت گیرد. باتوجه به این اوضاع و احوال، دیوان مقرر می دارد که بهره ای به نرخ عادلانه ۱۰/۵ درصد در سال نسبت به مبلغ لازم التاعذیه، از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۵۸ [۲۱ مارس ۱۹۷۹]، که بیسکو برات دیداریش را به بانک ملی تسلیم

کرد، پرداخت گردد.

۲۵ - در رابطه با ادعای شماره ده، راجع به اموال شخصی که دو نفر از کارکنان بیسکو در ایران به جای گذاشته‌اند، خواهانها صرفاً اظهار می‌دارند که پنها با عدم رعایت "اصل پذیرفته شده در حقوق قراردادهای مبنی بر الزام طرفین قرارداد به فراهم کردن محل امنی برای زندگی و اموال کسانی که قرارداد را اجرا می‌کنند"، قرارداد را نقض کرده است. دیوان داوری بر این نظر است که خواهانها دلیل و مدرکی در مورد از دست رفتن اموال و نیز مدرکی دال بر آنکه فعل یا ترک فعل پنها منجر به خسارات مورد ادعا گردیده، ارائه نکرده‌اند. (۵) لذا، نیازی نیست که دیوان به بررسی مساله وجود یا ماهیت تعهد قراردادی ضمنی مورد ادعای خواهانها بپردازد. در نتیجه، دیوان ادعای حاضر را به لحاظ فقد دلیل، مردود می‌شناسد.

چهارم - ادعای شماره دو

الف - واقعیات

۲۶ - شکل گیری قرارداد فروش ذیربط بین بندیکس و پنها بدین صورت آغاز شد که پنها در تاریخ هفتم فروردین ماه ۱۳۵۷ [۲۷ مارس ۱۹۷۸] سفارش خریدی به شماره ۶۱۶۹ سی ام اچ بی ۸ آ ("سفارش خرید") و به مبلغ ۷۸،۶۲۲/۹۷ دلار آمریکا

(۵) در لوایح اولیه، بیسکو ظاهراً ادعای حاضر را با استناد به اینکه اقدامات خلاف ادعایی ایران منجر به خسارات مورد ادعا گردیده، علیه ایران نیز عنوان کرد. لکن نامبرده در لوایح بعدی و در جلسه استماع این جنبه از ادعا را پیگیری نکرد. به هر تقدیر، دیوان بر این نظر است که ادعای مزبور، به لحاظ فقد دلیل در مورد خسارات ناشی از اقدامات قابل انتساب به ایران، نمی‌توانست در ماهیت اثبات گردد.

صادر کرد. قلم عمده آن سفارش، ۱۲۰ دستگاه تنظیم ولتاژ به بهای ۷۵،۶۰۰/- دلار امریکا بود. در سفارش خرید تصریح شده بود که پرداخت بهاء باید با گشایش اعتبار اسنادی صورت گیرد.

۲۷ - در ۱۶ تیرماه ۱۳۵۷ [هفتم ژوئیه ۱۹۷۸] بندیکس پیشنهاد مندرج در سفارش خرید را قبول (قبولی) و تأیید کرد که پرداخت باید با "اعتبار اسنادی تأیید شده غیرقابل برگشت" انجام گیرد. هم در سفارش خرید و هم در سند قبولی قید شده بود که تحویل دستگاه‌های تنظیم ولتاژ باید تا ژوئیه ۱۹۷۹ انجام شود. در ۱۸ تیرماه ۱۳۵۷ [نهم ژوئیه ۱۹۷۸] پنها اعتبار اسنادی غیرقابل برگشتی به مبلغ ۷۸،۶۲۲/۹۷ دلار امریکا که تا نهم اسفندماه ۱۳۵۸ [۲۸ فوریه ۱۹۸۰] معتبر بود، افتتاح نمود. اعتبار اسنادی مزبور توسط بانک مرکزی صادر شد و بانک کارگزار، بانک ملی شعبه نیویورک بود.

۲۸ - بندیکس ادعا می کند که در حال تولید اقلام مورد سفارش بود، تا اینکه در آوریل ۱۹۷۹ دچار این نگرانی شد که آیا پنها به تعهدات قراردادی خود در مورد تعداد زیادی قرارداد و سفارش خرید، از جمله، سفارش خرید مورد بحث عمل خواهد کرد، یا خیر. در نتیجه، در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [اول مه ۱۹۷۹] بندیکس ضمن ارسال نامه‌ای به پنها توضیح داد که وسایل مورد سفارش پنها عنقریب آماده حمل خواهد بود، لکن از آنجا که اعتبارات اسنادی پنها معتبر نبوده و نامبرده به "درخواستهای تلگرافی متعدد جهت افتتاح و یا اصلاح اعتبارات اسنادی" پاسخ نداده، تردیدهای جدی در مورد اجرای قرارداد توسط پنها، ایجاد شده است. از اینرو، بندیکس خواست که قبل از نهم خردادماه ۱۳۵۸ [۳۰ مه ۱۹۷۹] به وی اطمینان کافی داده شود که پنها به تعهد پرداخت و سایر تعهدات قراردادی خود عمل خواهد کرد و در غیراینصورت، احتمال داشت که بندیکس سفارشات را لغو کرده

و پنها را بابت خسارات مسئول شناسد. در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۱۷ مه ۱۹۷۹]، بندیکس تلکس دیگری ارسال و اخطار خود را تکرار کرد. در متن تلکس، فهرست ۵۷ فقره سفارش خرید، از جمله، سفارش مورد بحث در ادعای حاضر، قید شده بود.

۲۹ - در ۱۹ خردادماه ۱۳۵۸ [نهم ژوئن ۱۹۷۹] پنها ضمن ارسال تلکسی، دریافت نامه مورخ ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [اول مه ۱۹۷۹] را اعلام کرده، اظهار داشت که "ما مشغول کار روی سفارشات خرید بندیکس هستیم. لطفاً چند روز دیگر به ما فرصت دهید" بندیکس که این پاسخ را اطمینان کافی تلقی نمی‌کرد و در طول تابستان نیز پاسخ دیگری دریافت نکرد، در ۱۵ شهریورماه ۱۳۵۸ [ششم سپتامبر ۱۹۷۹] به پنها اطلاع داد که کلیه سفارشات را لغو کرده است.

۳۰ - بندیکس اظهار می‌دارد که گرچه وی توانست سایر اقلام مندرج در سفارش خرید را به سفارشات دیگر منتقل کند، با اینحال نتوانست کلیه قطعات دستگاه‌های تنظیم ولتاژ را به مصارف دیگر رسانده، یا به سایر سفارشات منتقل کند. لذا، نامبرده مدعی است که خساراتی به مبلغ ۴۹,۳۲۳ دلار امریکا متحمل شده است.

۳۱ - پنها در ادعای متقابل خود اظهار داشته است که بندیکس به دلیل عدم تحویل قطعات یدکی هلی کوپتر موضوع ۳۸ فقره سفارش خرید جداگانه و منجمه، سفارش خریدی که موضوع ادعای حاضر بندیکس است، قرارداد را نقض کرده است. پنها می‌گوید که از سال ۱۹۷۵ با بندیکس که باصرفه‌ترین فروشنده بود، ترتیباتی برای خرید و تعمیر قطعات هلی کوپتر برای مصرف کنندگان مختلف ایرانی داده بود. بنابه گفته پنها، سفارشات خرید، همگی جزئی از یک سیستم واحد خریداری شده از بندیکس بوده است. وی مدعی است که برنامه‌های تولید و سرویس سیستم را در

ایران، بر مبنای توافقهایی که با بندیکس داشت، تنظیم کرده بود. لذا، عدم تحویل وسایل توسط بندیکس، باعث ایجاد وقفه در برنامه‌های پنها شد. پنها تقاضا دارد وسایل به قیمت قراردادی به وی تحویل، و بعلاوه، مبلغ ۹۰۸،۲۲۶/۱۱ دلار بابت خسارت پرداخت گردد، و یا اینکه مبلغ -/۹۷،۹۸۰ دلار امریکا به علاوه مبلغی بابت تورم و بهره، بابت ارزش اقلامی که حسب ادعا برای تعمیر به بندیکس ارسال گردیده و هیچگاه مسترد نشده، به علاوه مبلغ مشخص نشده‌ای خسارت بابت تورم ناشی از نیاز پنها به خرید اقلام از منابع دیگر، به پنها پرداخت گردد.

۳۲ - بندیکس در برابر ادعای متقابل مذکور، ادعای متقابلی به مبلغ -/۷۲،۶۰۰ دلار امریکا بابت عدم النفع ۳۷ فقره قرارداد فروش دیگر مندرج در ادعای متقابل پنها، مطرح ساخته است.

ب - صلاحیت

۳۳ - بندیکس به صلاحیت دیوان نسبت به ادعای متقابل پنها، در حدودی که به ۳۷ فقره قرارداد فروش مربوط بوده و علاوه بر قراردادی است که موضوع منحصر به فرد ادعای بندیکس است، ایراد می‌گیرد. دیوان داوری متذکر می‌شود که قراردادهای فروش، به روشنی، عقود جداگانه و مستقلی بوده‌اند و پنها دلیل و مدرکی ارائه نکرده است که این عقود، همگی جزئی از معامله واحدی بوده‌اند تا الزامات صلاحیتی بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی راء مبنی بر اینکه ادعای متقابل باید از همان "قرارداد ...، معامله یا پیش آمد" موضوع ادعا ناشی شود، احراز نمایند. برای مثال، رجوع شود به: حکم شماره ۲-۳۸۹-۶۷ مورخ ۲۳ بهمن ماه ۱۳۶۵ [۱۲ فوریه ۱۹۸۷] صادره در پرونده وستینگهاوس الکتریک کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران و سایرین، و نیز قرار اعدادی شماره ۳-۴۸-۴۱ مورخ ۲۱

خردادماه ۱۳۶۳ [۱۱ ژوئن ۱۹۸۴] صادره در پرونده امریکن ایل اینترنشنال اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین.

۳۴ - براین اساس، دیوان ادعای متقابل پنها را بابت ۳۷ فقره قرارداد فروش که موضوع ادعای بندیکس نیست، به دلیل فقد صلاحیت رد می‌کند. بنابراین، ادعای متقابل بندیکس نیز به دلیل فقد صلاحیت مردود شناخته می‌شود. دیوان داوری بر این نظر است که نسبت به ادعای متقابل پنها در حدودی که به قرارداد موضوع ادعای بندیکس مربوط می‌شود، صلاحیت دارد.

ج - ماهیت

۳۵ - بندیکس اظهار می‌دارد که بخش ۲-۶۰۹ قانون متحدالشکل تجاری ("یو سی سی") که قسمتی از قوانین ایالت نیویورک است (۶)، این حق را به بندیکس می‌دهد که "در صورتیکه دلیل منطقی برای عدم اطمینان ایجاد شود" درخواست تضمین ایفای تعهد را بنماید. در این قانون، همچنین مقرر شده است که "اگر تضمین ایفای تعهد، بصورتی که مناسب مقتضیات آن مورد خاص باشد، ظرف مدت معقولی که نباید از سی روز تجاوز کند، ارائه نشود، به معنی لغو قرارداد است." بندیکس می‌گوید، با توجه به اینکه وی درخواست تضمین کرد و ضمانت کافی دریافت ننمود، لذا پنها قرارداد را لغو کرده و مسئول پرداخت خسارات است.

(۶) بندیکس استدلال می‌کند که به چند دلیل، قوانین نیویورک حاکم بر قرارداد مورد بحث در این ادعا است. دیوان با توجه به رأی که در این ادعا صادر نموده، لازم نمی‌داند وارد بحث در موضوع قابلیت اعمال قوانین نیویورک گردد.

۳۶ - دیوان دآوری متذکر می شود که ادعای بندیکس بر این فرض مبتنی است که دلایل منطقی برای عدم اطمینان وجود داشته، به نحوی که به او حق می داده است که از پنها تقاضای ضمانت کافی برای اجرای تعهد کند. دیوان همچنین متذکر می شود که در قسمت (۲) ۶۰۹-۲ قانون مورد استناد بندیکس، آمده است که [در معاملات] بین تجار، موضوع "منطقی بودن عدم اطمینان ۰۰۰ باید طبق ضوابط تجاری تعیین شود".

۳۷ - گرچه ادله و مدارکی وجود دارد که بندیکس احتمالا در مورد سایر معاملات خود با پنها دلایل منطقی برای عدم اطمینان داشته، با اینحال دیوان بر این نظر است که بندیکس ثابت نکرده است که در رابطه با اجرای قرارداد مورد بحث در این ادعا توسط پنها، دلایل منطقی برای عدم اطمینان در دست داشته است. هر دو طرف به وضوح پیش بینی کرده بودند که تحویل کلیه اقلام مندرج در سفارش خرید تا ژوئیه ۱۹۷۹ انجام گردد. هیچ دلیل و مدرکی دال بر اینکه این نظر تا ماه مه ۱۹۷۹ تغییر کرده بوده، ارائه نشده است. در مورد اقلامی که قرار بود در ماه ژوئیه ۱۹۷۹ تحویل شود، بندیکس وثیقه ای بصورت یک فقره اعتبار اسنادی غیرقابل برگشت داشت که تا ماه مارس سال بعد معتبر بود.

۳۸ - در جلسه استماع، بندیکس برای اولین بار ادعا کرد که وی اطلاعیه ای از بانک ملی دریافت کرده بود، حاکی از آنکه بانک مرکزی تقاضا کرده بود، ارسال محمولات به مقصد ایران، بحالت تعلیق در آید. دیوان دآوری این ادعای غیرمستدل را متقاعد کننده نمی یابد. دلیل و مدرکی راجع به اینکه بندیکس احتمالا چه موقع این اطلاعیه را دریافت نموده، و توضیحی نیز راجع به اینکه ارسال چنین اطلاعیه ای از بانک ملی در ماه مه، چه مناسبتی داشته، ارائه نشده است. علاوه براین، بندیکس در این مورد نیز برای اولین بار در جلسه استماع اظهار داشت که دلیل دیگر عدم اطمینان وی، مبتنی بر این واقعیت بود که اعتبار اسنادی توسط یک بانک امریکایی تأیید نشده بود. با اینحال، دیوان متذکر می شود که دلیل و مدرکی حاکی از اینکه بانک

ملی یا بانک مرکزی در بهار سال ۱۹۷۹ اظهار داشته باشند که احتمالا اعتبارات اسنادی غیرقابل برگشت را پرداخت نخواهند کرد، ارائه نشده است. بعلاوه، مدرکی نیست که نشان دهد بندیکس هیچگاه این نگرانی خود را طی مکاتباتش با پنها در سال ۱۹۷۹ مطرح کرده باشد.

۳۹ - باتوجه به کلیه اوضاع و احوال مذکور در بالا، دیوان ادعای حاضر را به لحاظ فقد دلیل، رد می‌کند.

د - ادعای متقابل

۴۰ - پنها اظهار می‌دارد که بندیکس قرارداد فروش مورد بحث در ادعای دوم را نقض کرده است. دیوان داوری متذکر می‌شود که دیوان ضمن رد ادعای دوم به لحاظ فقد دلیل، نظر نداد که بندیکس قرارداد را نقض کرده است یا خیر و لذا بار اثبات نقض قرارداد توسط بندیکس، بر عهده پنهاست. معذک، دیوان بر این نظر است که لزومی به تصمیم‌گیری در مورد این مساله نیست، زیرا پنها به هر صورت، دلیل و مدرکی راجع به خساراتی که حسب ادعا با خرید قطعات از جای دیگر متحمل شده، ارائه نکرده است. لذا، دیوان ادعای متقابل پنها در مورد این قرارداد را به لحاظ فقد دلیل، مردود می‌شمارد.

پنجم - ادعای شماره چهار

الف - واقعیات

۴۱ - این ادعای مطروح توسط بندیکس علیه صنایع هواپیمایی، از هشت فقره سفارشی ناشی می‌شود که صنایع هواپیمایی در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ برای خرید قطعات

مختلف هواپیمای داده و همه این سفارشات را بندیکس قبول کرده بود. بندیکس اظهار می‌دارد که طبق دستورات صنایع هواپیمایی، قطعات تولید شد و در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹، به صورت نه محموله، به کارگزار حمل و نقل صنایع هواپیمایی در نیوجرسی، بنام بهرینگ اینترنشنال اینک، ("بهرینگ") تحویل گردید. در نتیجه، بندیکس از ژوئن ۱۹۷۸ تا مه ۱۹۷۹ نه فقره صورتحساب، که کلیه آنها عنوان "صورتحساب و لیست بسته‌بندی" داشت، جمعاً به مبلغ ۵,۸۵۹/۳۷ دلار آمریکا صادر کرد که حسب ادعا، پرداخت نشده باقی مانده است.

۴۲ - در چهارم مهرماه ۱۳۵۸ [۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹] بندیکس طی تلکسی، به صنایع هواپیمایی اطلاع داد که کلیه سفارشات صنایع هواپیمایی به علت عدم پاسخ نامبرده "در طول ناآرامیهای سیاسی در ایران"، "منسوخ و لغو" شده است. در تلکس اضافه شده بود که در مورد سفارشات جدید صنایع هواپیمایی اقدامی نخواهد شد، تا اینکه وجه نه فقره سفارش خریدی که در تلکس نام برده شده، دریافت گردد.

۴۳ - در تاریخ دهم اسفندماه ۱۳۵۸ [۲۹ فوریه ۱۹۸۰] یا در آن حدود، بندیکس صورت حسابی کلاً به مبلغ ۵,۶۱۷/۲۴ دلار آمریکا برای صنایع هواپیمایی فرستاد که هم شامل دیون موعد گذشته و معوقه مربوط به نه فقره صورتحساب بود و هم اینکه مبلغ ۲۴۲/۱۳ دلار آمریکا به بستانکار حساب صنایع هواپیمایی در آن منظور شده بود. ظاهراً در ۱۱ فروردین ماه ۱۳۵۹ [۳۱ مارس ۱۹۸۰] یا در آن حدود، صورتحساب مشابهی برای صنایع هواپیمایی فرستاده شد که این بار، رقم بستانکار حساب صنایع هواپیمایی، از آن حذف شده بود.

ب - ماهیت دعوی

۴۴ - صنایع هواپیمایی در لوایح خود اظهار داشته است که بندیکس شرایط تحویل و صدور اسناد مصرح در سفارشات خرید صنایع هواپیمایی را که بندیکس را مستحق دریافت بهای سفارشات کند، رعایت نکرده است. صنایع هواپیمایی به ویژه ادعا می‌کند که وی کالاها را از بهرینگ دریافت نکرده است و اظهار می‌دارد که دلیل و مدرکی وجود نداشته که کالاها هیچگاه به بهرینگ تحویل داده شده باشد. لکن، بندیکس اظهار می‌دارد که چون کالاهای سفارشی را برای بهرینگ ارسال نموده، لذا استحقاق دریافت قیمت سفارشات را دارد. در جلسه استماع، صنایع هواپیمایی تصدیق کرد که مدارک لازم را از بهرینگ دریافت کرده، ولی اظهار داشت که دو فقره از اسناد فاقد امضای صحیح بوده است. صنایع هواپیمایی همچنین در جلسه استماع اظهار داشت که وی مبلغ لازم التادیه را ارسال نموده، ولی تجهیزات را دریافت نکرد.

۴۵ - دیوان داوری ملاحظه می‌نماید که روی سفارشات خرید صنایع هواپیمایی این عبارات ماشین شده است: (تحویل به صورت) "فوب" کارخانه بندیکس واقع در نقاط مختلف و "حمل به: صنایع هواپیمایی ایران، توسط بهرینگ اینترنشنال اینک. با پرداخت کرایه در مقصد". عبارت مشابهی نیز روی اسناد قبولی بندیکس به چشم می‌خورد. دیوان همچنین متذکر می‌شود که صنایع هواپیمایی اظهار داشته که اسناد و مدارک لازم را از کارگزار خود، بهرینگ دریافت نموده است. بنابراین، صنایع هواپیمایی مدارک مزبور را در آن زمان، آنقدر کافی دانسته بود که بگوید بهای کالاها را پرداخت کرده است. علاوه بر این، دیوان بر این نظر است که دریافت اسناد حمل از بهرینگ توسط صنایع هواپیمایی، علی‌الظاهر دلیل بر آنست که بندیکس، شرایط تحویل، یعنی ارسال کالاها به بهرینگ را رعایت نموده و دلیل و مدرکی هم در رد این

مطلب ارائه نشده است. دیوان همچنین اختلاف مهمی بین اسناد پذیرفته شده توسط صنایع هواپیمایی و مدارکی که به ادعای وی ایراد و اشکال دارد، مشاهده نمی‌کند. و بالاخره، دیوان خاطر نشان می‌سازد که هیچ دلیل و مدرکی ارائه نشده است که نشان دهد، صنایع هواپیمایی قیمت کالاها را پرداخت کرده و یا اینکه در سالهای ۱۹۷۸، ۱۹۷۹ یا ۱۹۸۰ که تحویل کالاها و تنظیم و صدور صورتحسابها انجام شد، به صورتحسابها یا سایر اسناد ارسالی بندیکس ایرادی گرفته باشد. در نتیجه، دیوان مبلغ لازم التادیه نه فقره صورتحساب را به نفع خواهان، مورد حکم قرار می‌دهد.

۴۶ - در جلسه استماع، بندیکس برای اولین بار ادعا کرد که مدرک مربوط به رقم بستانکار منظور شده به حساب صنایع هواپیمایی، به صورتحسابهای دیگری مربوط بوده که ارتباطی با [سفارش مورد بحث] نداشته است. دیوان داوری این اظهار را که با تاخیر عنوان شده است، قانع کننده نمی‌یابد. رقم بستانکار، روی همان صورتی ذکر شده که حاوی نه فقره صورتحساب مورد بحث بوده و بندیکس دلیل و مدرک مستقلی در مورد صورتحسابهای غیرمرتبط ادعایی که رقم بستانکار بابت آنها منظور شده باشد، ارائه نکرده است. بنابراین، دیوان مقرر می‌دارد که رقم بستانکار حساب صنایع هواپیمایی در این حکم منظور گردد. در نتیجه، دیوان صنایع هواپیمایی را بابت مبلغ ۵،۶۱۷/۲۴ دلار امریکا مسئول می‌شناسد.

۴۷ - روی سفارشهای خرید صنایع هواپیمایی قید شده است که پرداخت باید ظرف "۳۰ روز تمام" به عمل آید. عبارت مندرج در قبولی های بندیکس نیز به همین صورت است. دیوان ملاحظه می‌کند که در نتیجه، مهلت پرداخت نه صورتحساب بندیکس در تاریخهای متفاوتی بین ژوئیه ۱۹۷۸ و ژوئن ۱۹۷۹ و سررسید قسمت اعظم آنها بین دسامبر ۱۹۷۸ و آوریل ۱۹۷۹ بوده است. در نتیجه، به نظر دیوان عادلانه است که بهره‌ای به نرخ ۱۰/۵ درصد در سال، از ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۷ [اول فوریه

۱۹۷۹] که تقریباً حد واسط مدت ذیربط است، نسبت به مبلغ ۵،۶۱۷/۲۴ دلار، اعطاء شود.

ششم - ادعاهای شماره پنج، شش، هفت و هشت

الف - واقعیات

۴۸ - شرح ماوقع و نیز موضوعات حقوقی مربوط به اظهارات گوناگونی که درباره نحوه اجراء و نقض قرارداد مرتبط با این چهار ادعای مطروح توسط بندیکس علیه نیروی هوایی، بعمل آمده، مشابه بوده، با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. بنابراین، دیوان این ادعاها را توأماً مورد بررسی قرار می‌دهد. ادعاها به شرح زیرند:

(۱) ادعای شماره پنج، به مبلغ ۱۶۴،۹۵۳ دلار امریکا، ناشی از دو فقره سفارش خرید نیروی هوایی به تاریخ های ۲۶ و ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۶ [۱۵ و ۱۶ فوریه ۱۹۷۸] برای سه دستگاه "ایندیکیتور" بوئینگ ۷۴۷، جمعاً به بهای ۱۸۰،۶۹۳/۰۱ دلار امریکا، که به ترتیب در ۲۴ و هشتم اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۵ مارس و ۲۷ فوریه ۱۹۷۸] مورد قبول بندیکس قرار گرفت.

(۲) ادعای شماره شش، به مبلغ ۱۹،۶۹۰/۵۷ دلار امریکا، ناشی از پنج فقره سفارش خرید نیروی هوایی و قبولی های بندیکس، صادره بین فوریه و آوریل ۱۹۷۸، برای قطعات مختلف هواپیما، که با منظور کردن دو رقم بستانکار به حساب نیروی هوایی در هشتم شهریورماه و ششم دیماه ۱۳۵۷ [۳۰ اوت و ۲۷ دسامبر ۱۹۷۸] میزان آن تقلیل یافته است.

(۳) ادعای شماره هفت، به مبلغ ۴،۸۳۹/۹۴ دلار امریکا، ناشی از یک سفارش خرید نیروی هوایی، به تاریخ هفتم آذرماه ۱۳۵۶ [۲۸ نوامبر ۱۹۷۷] برای چهارده کابل جمع کن که در ۲۹ آذرماه ۱۳۵۶ [۲۰ دسامبر ۱۹۷۷] مورد قبول بندیکس واقع شد.

(۴) ادعای شماره هشت، به مبلغ ۱،۲۵۵/۲۷ دلار امریکا، ناشی از سفارش خرید مورخ پنجم اسفندماه ۱۳۵۶ [۲۴ فوریه ۱۹۷۸] برای خرید یک نوع محور مخصوص که در ۲۹ اسفندماه ۱۳۵۶ [۲۰ مارس ۱۹۷۸] مورد قبول بندیکس قرار گرفت.

۴۹ - روی هر یک از سفارشات خرید ذکر شده است که اجناس سفارشی باید ظرف تعداد معینی روز از تاریخ سفارش، تحویل داده شود، مگر به دلایلی که خارج از اختیار بندیکس باشد، که در آنصورت، تاریخ جدید تحویل باید مورد موافقت نیروی هوایی واقع شود. در سفارشهای خرید همچنین قید شده است که نحوه حمل به صورت فوب، کارخانه بندیکس، به مقصد بهرینگ، کارگزار حمل و نقل نیروی هوایی در ایالات متحده، خواهد بود. ماده ۱ "شرایط عمومی" که ظهر سفارشهای خرید چاپ شده، به نیروی هوایی حق می دهد "در صورتی که تحویل، بدون دلیل موجه، بیش از ۳۰ روز از تاریخ مقرر، به تاخیر افتد" سفارش را لغو کند. در "شرایط پرداخت" نیروی هوایی نیز که ظهر سفارشهای خرید چاپ شده، قید شده است که پرداخت بهاء در قبال صورتحساب و اسناد حمل صورت می گیرد و مضافاً، تعداد نسخ صورتحسابها و لیست بسته بندی که باید تسلیم شود، در آن مشخص شده است. در ورقه های قبولی بندیکس قید شده است که پرداخت باید ظرف ۳۰ روز از تاریخ صورتحساب صورت گیرد. در شرایط فروش مندرج در قبولی ها، همچنین تصریح شده است که قیود و شرایط بندیکس، ناسخ هر شرط و قید دیگری است که روی

سفارشهای خرید مندرج است و مضافاً اینکه، قیود و شرایط بندیکس باید طبق قوانین ایالت نیویورک تفسیر شوند.

۵۰ - طبق اظهار بندیکس، اقلام موضوع ادعای ششم در پاییز و زمستان سال ۱۹۷۸ تولید و برای بهرینگ حمل شد و تاریخ تحویل تقریباً تمامی آنها بیش از ۳۰ روز بعد از تاریخهای مقرر برای تحویل بود. صورتحسابهای مربوط که کلیه آنها عنوان "صورتحساب و لیست بسته‌بندی" را دارد و نیز اسناد حمل، در نوامبر و دسامبر ۱۹۷۸ صادر شد. طرفین بحثی ندارند که وجه صورتحسابها پرداخت نشده است. در مورد اقلام موضوع ادعاهای شماره پنج، هفت و هشت، سفارشهای خرید نیروی هوایی و قبولی های بندیکس حاکی از آنست که تحویل این اقلام قرار بود در فوریه یا حداکثر مارس ۱۹۷۹ صورت گیرد.

۵۱ - بندیکس اظهار می دارد که عدم پاسخ نیروی هوایی به اقدامات بندیکس برای تماس با نامبرده در اوایل سال ۱۹۷۹، و عدم پرداخت وجه محمولات موضوع ادعای شماره شش توسط نیروی هوایی، این نگرانی را به وجود آورد که آیا نیروی هوایی تعهدات قراردادی خود را نسبت به سفارشات تحویل داده نشده موضوع ادعاهای شماره پنج، هفت و هشت ایفاء خواهد کرد یا خیر. در نتیجه، بندیکس در یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [اول مه ۱۹۷۹] تعدادی تلکس یا نامه برای سرهنگ خاتمی، نماینده نیروی هوایی در ایالات متحده، فرستاد و در آنها توضیح داد که اقلام سفارشی نیروی هوایی آماده حمل است و یا عنقریب آماده حمل خواهد بود، ولی هیچ پاسخی به درخواستهای تلگرافی متعدد ما از نیروی هوایی دریافت نشده است. بندیکس اضافه کرد که عدم دریافت پاسخ از نیروی هوایی، تردیدهای جدی در مورد اجرای تعهدات قراردادی شما ایجاد کرده است. بنابراین، بندیکس تقاضا کرد که نیروی هوایی تا نهم خردادماه ۱۳۵۸ [۳۰ مه ۱۹۷۹] اطمینان کافی راجع

به ایفای تعهدات قراردادی خود بدهد. بندیکس خاطرنشان کرد که در صورتیکه پاسخ کافی نباشد، احتمال دارد وی سفارشها را لغو کند و نیروی هوایی را مسئول هزینه لغو و سایر خسارات شناسد.

۵۲ - در اوایل مه ۱۹۷۹، یکی از کارمندان قسمت اعتبارات بندیکس، ظاهراً یک مکالمه تلفنی با سرهنگ خاتمی داشت و متعاقباً، در ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۱۴ مه ۱۹۷۹] نامه‌ای برای نامبرده ارسال داشته، صورتی از مبالغ صورتحسابهای پرداخت نشده موضوع ادعای شماره شش را همراه با نسخه‌ای از آن صورتحسابها، برای سرهنگ خاتمی ارسال داشت.

۵۳ - در اول خردادماه ۱۳۵۸ [۲۲ مه ۱۹۷۹] سرهنگ خاتمی طی نامه‌ای به عنوان بندیکس، اعلام کرد که: بدینوسیله مکالمه تلفنی روز ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۱۶ مه ۱۹۷۹] خود را با بندیکس، "در مورد لغو بدون هزینه [سفارشهای خرید] مندرج در نامه، که ظرف مدت مقرر توسط شما تحویل نشده است"، "تأیید" می‌نماید. در نامه، ۱۶ قلم سفارش خرید، از جمله، سفارشهای موضوع ادعاهای شماره پنج و هفت و هشت فهرست شده بود.

۵۴ - در دهم خردادماه ۱۳۵۸ [۳۱ مه ۱۹۷۹] بندیکس نامه‌ای برای سرهنگ خاتمی فرستاد و تعبیر وی را از مکالمه تلفنی روز ۲۶ اردیبهشت [۱۶ مه] رد کرد و اظهار داشت که بالعکس، در شرایط موجود، ماده ۸ "قیود و شرایط فروش" مندرج در ظهر قبولی‌های بندیکس قابل اعمال است، بدین معنی که لغو سفارش توسط نیروی هوایی، منوط به پرداخت هزینه‌های عادلانه‌ای است که بندیکس برای لغو تعیین می‌کند. بندیکس اعلام کرد که به زودی، صورت این هزینه‌ها را برای نیروی هوایی ارسال خواهد داشت.

۵۵ - در چهارم تیرماه ۱۳۵۸ [۲۵ ژوئن ۱۹۷۹] سرهنگ خاتمی در نامه ای به بندیکس تاکید کرد که نیروی هوایی از آن جهت اقدام به لغو سفارشها کرده است که بندیکس اجناس را ظرف مدت مقررتحویل نداده است و بنابراین، هزینه‌ای بابت لغو تعلق نمی‌گیرد.

۵۶ - در ۱۹ مهرماه ۱۳۵۸ [۱۱ اکتبر ۱۹۷۹]، بندیکس صورتی به مبلغ ۱۶۴،۹۵۳/- دلار امریکا بابت هزینه لغو دو سفارش موضوع ادعای شماره پنج، برای نیروی هوایی ارسال و اظهار داشت که این هزینه‌ها در اثر "خرید و مونتاز وسایلی که منحصرًا برای نیروی هوایی ایران بوده و خریدار دیگری ندارد" ایجاد شده است. نیروی هوایی در ۳۰ مهرماه ۱۳۵۸ [۲۲ اکتبر ۱۹۷۹] پاسخ داده، موضع خود را تکرار و اعلام کرد که ماده ۸ شرایط بندیکس فقط در صورتی قابل اعمال می‌بود که لغو سفارش از ناحیه نیروی هوایی، قبل از انقضای مدت تحویل صورت می‌گرفت.

۵۷ - علاوه بر مبلغ ۲۷،۱۹۵/۰۸ دلار بابت بهای خرید اجناس موضوع ادعای شماره شش که حسب ادعا تحویل شده، (منهای ۷،۵۰۴/۵۱ دلار امریکا که باید به حساب بستانکار منظور می‌شد) بندیکس در ادعای شماره پنج، مبلغ ۱۶۴،۹۵۳/- دلار امریکا بابت خساراتی که نتوانسته بعد از قطع ساخت اجناس موضوع ادعای شماره پنج، مانع بروز آنها شود، مطالبه کرده است. از طرف دیگر، بندیکس اظهار می‌دارد که ساخت اقلام موضوع ادعاهای شماره هفت و هشت را به اتمام رسانده، ولی نتوانسته بود آنها را به سفارشهای دیگر منتقل کند. بنابراین، بندیکس به ترتیب، مبلغ ۴،۸۳۹/۹۴ دلار امریکا و ۱،۲۵۵/۲۷ دلار امریکا بابت کل بهای سفارشات موضوع آن ادعاها مطالبه می‌کند.

۵۸ - ادعای متقابل نیروی هوایی به مبلغ ۲۰۰،۰۰۰/- دلار امریکا بابت خساراتی است

که نیروی هوایی، حسب ادعاء، در نتیجه عدم تحویل اقلام مختلف توسط بندیکس، و لزوم تهیه این اقلام از محل دیگر، متحمل گردیده است.

ب - ماهیت

ادعای شماره شش

۵۹ - نیروی هوایی می‌گوید که مدرکی وجود ندارد که اقلام موضوع ادعای شماره شش، به نیروی هوایی یا به بهرینگ تحویل داده شده باشد. علاوه بر آن، نیروی هوایی اعتبار و کافی بودن اسناد حملی را که بندیکس به عنوان مدارک ارائه نموده، مورد تردید قرار داده است.

۶۰ - دیوان متذکر می‌شود که در قیود و شرایط خاص قراردادهای مورد اختلاف در پرونده حاضر، آمده است که کالا برای بهرینگ حمل خواهد شد و پرداخت وجه در قبال صورتحساب و لیست بسته‌بندی و اسناد حمل صورت خواهد گرفت. دیوان معتقد است که اسناد ارائه شده به عنوان مدرک، مدارک محمول بر صحتی است حاکی از آنکه کالاها حمل شده و مدرک قانع کننده‌ای نیز در رد آنها ارائه نشده است. مضافاً اینکه، دلیلی بر این باور وجود ندارد که بهرینگ این اقلام را دریافت نکرده باشد. به علاوه، دیوان متذکر می‌شود که مدرکی وجود ندارد که نیروی هوایی به نامه مورخ ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۱۴ مه ۱۹۷۹] بندیکس که حاوی لیست صورتحسابهای موعده گذشته موضوع ادعای شماره شش بود، پاسخ داده یا اظهارنظر یا اعتراضی در مورد آن کرده باشد. فی الواقع، در مکاتبات طرفین در سال ۱۹۷۹ قرینه و نشانه‌ای نیز حاکی از آن که اجناس موضوع ادعای شماره شش تحویل نشده بوده، وجود ندارد. دیوان به ویژه ملاحظه می‌کند که در نامه مورخ اول خردادماه

۱۳۵۸ [۲۲ مه ۱۹۷۹] سرهنگ حاتمی دایر بر لغو شانزده فقره سفارش خرید به دلیل عدم تحویل، اقدامی برای لغو هیچیک از سفارشهای خرید موضوع ادعای شماره شش به عمل نیامد.

۶۱ - بنابراین، دیوان مبلغ ۱۹،۶۹۰/۵۷ دلار آمریکا بابت بهای مورد توافق برای اجناس تحویلی، منهای دو رقم بستانکاری که بندیکس به حساب نیروی هوایی منظور کرده، به نفع بندیکس مورد حکم قرار می‌دهد. نظربه‌اینکه مهلت پرداخت قسمت اعظم مبلغ بدهی در ششم بهمن ماه ۱۳۵۷ [۲۶ ژانویه ۱۹۷۹] فرا می‌رسیده، به نظر دیوان منصفانه است که بهره‌ای به نرخ ۱۰/۵ درصد در سال، از آن تاریخ، به نفع بندیکس حکم داده شود.

ادعاهای شماره پنج، هفت و هشت

۶۲ - نیروی هوایی اظهار می‌دارد که در لغو سفارشهای خرید موضوع ادعاهای شماره پنج، هفت و هشت، از حقوق خود به موجب ماده ۱ "شرایط عمومی" نیروی هوایی و نیز بدان سبب که بندیکس ظرف ۳۰ روز بعد از مهلت مقرر اجناس را تحویل نداده بود، استفاده کرده است. نیروی هوایی در عین حال که اظهارات بندیکس را در مورد قابلیت اعمال قوانین نیویورک و ماده ۲-۶۰۹ قانون متحدالشکل تجاری (که در بند ۳۵ فوق تشریح شده) رد می‌کند، اظهار می‌دارد که حتی اگر قوانین نیویورک نیز قابل اعمال می‌بود، درخواست بندیکس برای کسب اطمینان معتبر نبوده، زیرا درخواست مزبور بعد از آنکه بندیکس قرارداد را نقض کرد، صورت گرفت. ولی بندیکس استدلال می‌کند که درخواست وی برای کسب اطمینان صحیح بوده و تنها قیود و شرایط فروش بندیکس قابل اعمال است و حتی اگر شرایط نیروی هوایی نیز قابل اعمال می‌بود، این نیروی هوایی بود که قرارداد را لغو کرد.

۶۳ - دیوان متذکر می‌شود که اولاً "بحثی نیست که بندیکس ظرف ۳۰ روز مهلت تحویل مقرر در ماده ۱ "شرایط عمومی" نیروی هوایی (که در تاریخهای مختلف در مارس ۱۹۷۹ به پایان می‌رسید)، هیچیک از اجناس را تحویل نداد. معذک، دیوان همچنین متذکر می‌شود که طبق شرایط نیروی هوایی، تاخیر در تحویل بعد از مدت ۳۰ روز، در حکم نقض قرارداد که منجر به خسارت یا فسخ خود به خود قرارداد گردد، نیست، بلکه بالعکس، در آن اوضاع و احوال و تحت بعضی شرایط خاص، نیروی هوایی حق داشت قرارداد را فسخ کند. دیوان هیچ مدرک دیگری نیز در این ادعاها نمی‌یابد که طرفین اعلام کرده یا تفاهمی در این مورد داشته باشند که عامل زمان واجد اهمیت اساسی بوده است، و اینکه چرا عامل زمان در اوضاع انقلابی ایران طی آن دوره، برای نیروی هوایی اهمیت اساسی نداشته، قابل درک است. به علاوه، دیوان متذکر می‌شود که تنها در صورتی برای نیروی هوایی حق فسخ قرارداد ایجاد می‌شود که دلایل تاخیر "موجه" نباشد. دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که نیروی هوایی هیچگاه به تاخیر در تحویل اقلام موضوع ادعای شماره شش اعتراض نکرده و آن سفارشات خرید را نیز به دلیل تاخیر، لغو ننموده است.

۶۴ - تحت این شرایط و با توجه به قصور نیروی هوایی در پرداخت بهای اجناسی که پنج ماه قبل تحویل شده بود (رجوع شود به: ادعای شماره شش مذکور در فوق) و نیز به دلیل مشکلاتی که بندیکس در تماس با نیروی هوایی داشته و درخواست کسب اطمینانی که "متعاقباً" در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [اول مه ۱۹۷۹] ارسال داشته، دیوان معتقد است مدارک کافی وجود دارد که نشان می‌دهد، بندیکس طبق شرایط خود نیروی هوایی، "دلایل موجهی" برای تاخیر در تحویل اقلام موضوع ادعاهای شماره پنج و هفت و هشت داشته و ضمناً مدارک مزبور را نیروی هوایی رد نکرده

است. (۷) در نتیجه، دیوان معتقد است که فسخ قطعی سفارشات خرید مورد بحث توسط نیروی هوایی، دو تا سه هفته بعد از آنکه بندیکس رسماً دلایل خود را در مورد تاخیر به نیروی هوایی اطلاع داد، به معنی لغو قرارداد است و نیروی هوایی مسئول جبران خساراتی است که بندیکس بتواند ورود آنرا اثبات کند. بنابر همین دلایل، دیوان ادعای متقابل نیروی هوایی را نیز بی‌اساس دانسته، آنرا رد می‌کند.

۶۵ - راجع به مسأله خسارات موضوع ادعای شماره پنج، دیوان متذکر می‌شود که اظهارات بندیکس، به ویژه درباره منحصر به فرد بودن "ایندیگترها" و عدم امکان استفاده مجدد یا انتقال بیش از چند قلم از آنها [به سفارشهای دیگر]، فقط با اظهارات بسیار مختصر مدیر امور مالی بین‌المللی بندیکس تأیید شده است، که در شرایط پرونده حاضر، به نظر دیوان برای اثبات خسارات مورد ادعا کافی نیست. بنابراین، دیوان نتیجه می‌گیرد که بندیکس از عهده اثبات موضوع خسارات بر نیامده است.

۶۶ - به همین نحو، در مورد خسارات موضوع ادعاهای شماره هفت و هشت، دیوان معتقد است که بندیکس ورود چنین خساراتی را اثبات نکرده است. بندیکس هیچ ادعا یا مدرکی در مورد کوشش‌های خود در کاستن از میزان خسارات و نیز توضیح قانع‌کننده‌ای راجع به عدم توانایی ادعایی خود به انتقال اجناس به سفارشهای دیگر، ارائه نداده است. در نتیجه، دیوان به ناچار این ادعاها را نیز به لحاظ فقد دلیل مردود اعلام می‌کند.

(۷) بر مبنای این نظر، دیوان معتقد است که لزومی ندارد راجع به مسأله قابلیت اعمال قوانین نیویورک و یا این موضوع که قیود و شرایط نیروی هوایی یا بندیکس حاکم بر قراردادهای مورد بحث بوده، تصمیم گیرد.

هفتم - ادعای شماره نه

الف - واقعیات

۶۷ - بندیکس و نیروی دریایی، پس از مذاکرات مقدماتی، ترتیباتی برای انعقاد دو قرارداد خرید سیستم های صوتی هلیکوپتر، جمعاً به بهای ۷،۴۶۰،۰۹۰/۷۵ دلار آمریکا دادند. براین اساس، بندیکس دو فقره پروفرما، به تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۵۵ [چهارم فوریه ۱۹۷۷]، یکی (به شماره پی اف - ۲۸۰۶۱) و به مبلغ -/۲،۸۷۱،۶۵۹ دلار آمریکا و دیگری (به شماره پی اف - ۲۸۰۶۲)، و به مبلغ ۴،۵۸۸،۴۳۱/۷۵ دلار آمریکا برای نیروی دریایی ارسال داشت. هر دو پروفرما حاوی برنامه پیش بینی شده حمل و همچنین شرایط پرداخت بود و قید شده بود که پرداخت باید از طریق گشایش اعتبارات اسنادی توسط نیروی دریایی صورت گیرد. در قرارداد طرفین، همچنین پیش بینی شده بود که مبلغی معادل ۱۰ درصد هر پروفرما از طریق هریک از اعتبارات اسنادی مفتوحه، به صورت پیش پرداخت به بندیکس تادیه شود. این پیش پرداختها به نوبه خود می بایست با اعتبارات اسنادی اتکایی که قرار بود بندیکس افتتاح کند، تضمین می شد. قرار بر این بود که پس از حمل اقلام، پیش پرداختها با کسر ۱۰ درصد از کل مبلغ هر صورت حساب صادره در موقع حمل، تسویه شود.

۶۸ - از آنجا که این ادعاهای ناشی از هر یک از دو ترتیب قراردادی منعقد با صدور پروفرما و اعتبارات اسنادی مربوطه، از لحاظ موضوعی و حقوقی از یکدیگر متمایزند، دیوان این ادعاها را جداگانه، تحت عنوان "ادعای شماره نه / قسمت اول" (ادعای مربوط به پروفرمای شماره پی اف - ۲۸۰۶۱) و "ادعای شماره نه / قسمت دوم" (ادعای مربوط به پروفرمای شماره پی اف - ۲۸۰۶۲) مورد بررسی قرار می دهد.

(۱) ادعای شماره نه/قسمت اول

۶۹ - در پروفرمای شماره پی اف - ۲۸۰۶۱، به مبلغ -/۲،۸۷۱،۶۵۹ دلار امریکا، پیش بینی شده بود که حمل پاره‌ای اقلام حداکثر تا تاریخ نهم آذرماه ۱۳۵۸ [۳۰ نوامبر ۱۹۷۹] صورت گیرد. براین اساس، در ۱۲ فروردین ماه ۱۳۵۶ [اول آوریل ۱۹۷۷] بندیکس از چیس منهتن بنک ("چیس") اطلاع حاصل کرد که بانک مرکزی ایران یک اعتبار اسنادی غیرقابل برگشت (به شماره ۹۰۳۰۴) به مبلغ -/۲،۸۷۱،۶۵۹ دلار امریکا افتتاح کرده که اعتبار آن نهایتاً بصورتی که اصلاح شد، در دهم دیماه ۱۳۵۸ [۳۱ دسامبر ۱۹۷۹] منقضی می‌گردید. طبق قرارداد، بندیکس در ۲۲ شهریورماه ۱۳۵۶ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۷] یک فقره اعتبار اسنادی اتکایی در قبال پیش پرداخت افتتاح کرد که تاریخ انقضای اعتبار آن ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۸ [۳۱ ژانویه ۱۹۸۰] بود.

۷۰ - بندیکس اظهار می‌دارد که وجه کلیه محموله‌هایی را که طبق این قرارداد فرستاده به استثنای آخرین محموله، دریافت کرد و آخرین محموله را که مبلغ صورتحساب آن ۱۳۳،۵۵۶/۵۸ دلار امریکا بود (و آخرین ۱۰ درصد پیش پرداخت از آن کسر شده بود) به شرکت ملی کشتیرانی آریا ("آریا") که کارگزار حمل مورد توافق در ایالات متحده بود، تحویل داد. بندیکس دو بارنامه امضاء شده به عنوان مدرک ارائه داده است که نشان می‌دهد، کشتیرانی آریا در ۲۷ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۸ دسامبر ۱۹۷۹] دو محموله دریافت کرده است.

۷۱ - بندیکس ظاهراً اسناد لازم را برای وصول وجه به چیس تسلیم کرد. در ۱۲ دیماه ۱۳۵۸ [دوم ژانویه ۱۹۸۰] چیس وصول اسناد را که به نظر وی "بدون اشکال" بود اعلام، ولی اشاره نمود که نمی‌تواند مبلغ ۱۳۳،۵۵۶/۵۸ دلار وجه اعتبار اسنادی

را با توجه به دستور ریاست جمهوری امریکا دایر بر توقیف داراییهای ایران که در آن زمان مجری بود، پردازد.

۷۲ - نیروی دریایی نامه مورخ ۲۰ مهرماه ۱۳۵۹ [۱۲ اکتبر ۱۹۸۰] خود به بانک مرکزی را دایر بر لغو اعتبار اسنادی و دستور استرداد مانده استفاده نشده آن به نیروی دریایی، به عنوان مدرک تسلیم نموده است.

(۲) ادعای شماره نه / قسمت دوم

۷۳ - در پروفرمای شماره پی اف - ۲۸۰۶۲، به مبلغ ۴،۵۸۸،۴۳۱/۷۵ دلار امریکا، پیش بینی شده بود که حمل پاره‌ای اقلام حداکثر تا تاریخ نهم آذرماه ۱۳۵۹ [۳۰ نوامبر ۱۹۸۰] صورت گیرد. در اوت ۱۹۷۷ بندیکس از منیو فکچرز هانور تراست اطلاع حاصل کرد که بانک مرکزی یک اعتبار اسنادی غیرقابل برگشت (به شماره ۹۱۰۹۰)، به مبلغ ۴،۵۸۸،۴۳۱/۷۵ دلار امریکا افتتاح کرده که تاریخ انقضای آن بدو^{۱۰} دهم دیماه ۱۳۵۹ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۰] بود. طبق قرارداد، بندیکس در ۲۱ شهریور ۱۳۵۶ [۱۲ سپتامبر ۱۹۷۷] یک اعتبار اسنادی اتکایی بابت پیش پرداخت افتتاح کرد که تاریخ انقضای اعتبار آن ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۹ [هفتم فوریه ۱۹۸۱] بود.

۷۴ - تا نوامبر ۱۹۷۹ بندیکس، طبق این ترتیبات، وسائلی به ارزش ۳،۰۷۶،۷۸۲/۲۳ دلار امریکا تولید و حمل کرده و بهای آنها را دریافت نمود. ولی بندیکس ادعا می‌کند که اجناس دیگری نیز به ارزش ۱۱۹،۳۷۳/۸۱ دلار امریکا ساخته بود که منحصر به فرد و غیرقابل انتقال به سفارشات دیگر بود، و نتوانسته بود آنها را تحویل دهد. به علاوه، بندیکس ادعا می‌کند که اقلام دیگری نیز که هیچگاه

نتوانست تحویل دهد، در جریان تولید بود و در اثر این امر، وی هزینه‌هایی به مبلغ ۶۱۹،۶۸۸/۵۲ دلار آمریکا متحمل گردید. بنابراین، خسارت مورد مطالبه بندیکس جمعاً ۷۳۹،۰۶۲/۳۳ دلار آمریکا است، منهای ۱۵۱،۱۴۹/۰ دلار پیش پرداختهایی که هنوز وی نگاهداشته و تصفیه نشده است.

۷۵ - بندیکس اظهار می‌دارد که به دلیل عدم پرداخت وجه توسط نیروی دریایی بابت اجناس تحویلی موضوع ادعای شماره نه/قسمت اول، و به دلیل قطع رابطه بازرگانی بندیکس با نیروی دریایی، در اثر بحران گروگانگیری، و بدنبال آن، توقیف دارائیهای ایران، وی نتوانست اجناس را تحویل دهد. در نتیجه، بندیکس اظهار می‌دارد که در اواخر سال ۱۹۸۲ وی ناگزیر شد اجناس تحویل نشده را اوراق کند.

۷۶ - نیروی دریایی انکار می‌کند که قرارداد را نقض کرده و یا تحت شرایط مورد ادعای بندیکس، تعهدی بابت پرداخت وجه داشته است و در تأیید استدلال خود، مدارکی تسلیم نموده است، حاکی از اینکه در سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ اقداماتی بعمل آورد که اعتبار اسنادی از دهم دیماه ۱۳۵۹ [۳۱ دسامبر ۱۹۸۰] به بعد تمدید گردد.

۷۷ - علاوه بر آن، نیروی دریایی ادعای متقابلی حداقل به مبلغ ۷،۴۶۰،۰۹۰/۷۵ دلار آمریکا، برابر با جمع مبلغ دو فقره ترتیبات قراردادی، بابت پیش پرداختهای تصفیه نشده و خساراتی که در اثر عدم تکمیل پروژه‌اش به دلیل قصور بندیکس در تحویل اجناس متحمل گردیده، مطرح کرده است.

ب - صلاحیت

۷۸ - در مورد ادعای شماره نه / قسمت دوم ، دیوان ملاحظه می کند که بندیکس در لوایح خود اظهار داشته که نیروی دریایی قرارداد فروش را لغو کرده است. در جلسه استماع، هر دو طرف اظهار داشتند که وضعیت فورس ماژوری طی دوره های مختلف رخ داده بود. ولی دیوان ملاحظه می کند که مدرکی دال بر اینکه هر یک از طرفین شکایت یا اعتراضی در مورد نقض یا عدم امکان اجرای قرارداد کرده و یا حداقل، قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] به طرف دیگر اطلاع داده باشد که قرارداد به دلیل نقض یا عدم امکان اجرای آن، فسخ شده، وجود ندارد. علاوه بر آن، دیوان متذکر می شود که هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد طرفین در مدت ذیربط به نحوی عمل کرده باشند که گویی قرارداد فسخ شده است. بالعکس، نیروی دریایی من باب مثال ظاهراً حتی در سال ۱۹۸۱ نیز چند مرتبه کوشید که اعتبارات اسنادی را تمدید کند. به علاوه، ظاهراً نیروی دریایی، در صدد برنیامد که از محل اعتبار اسنادی انکایی بندیکس که تا ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۹ [هفتم فوریه ۱۹۸۱] معتبر بود، برداشت کند. از ناحیه خواهان نیز، دیوان مدرکی نمی بیند که بندیکس سعی کرده باشد با نیروی دریایی تماس بگیرد و مدرکی نیز در این مورد که بندیکس نهایتاً چه موقع تصمیم به متوقف ساختن کار تولید گرفت، وجود ندارد. دیوان متذکر می شود که بندیکس در هر حال تا اواخر سال ۱۹۸۲ صبر کرد تا اقلام تحویل نشده را اوراق کند.

۷۹ - تحت این اوضاع و احوال، دیوان معتقد است که مدرکی دال بر اینکه، این جنبه از ادعای بندیکس در ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده - که طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، شرط احراز صلاحیت دیوان است -، به دیوان ارائه نشده است. در نتیجه، دیوان ادعای شماره نه / قسمت دوم را به لحاظ فقد

صلاحیت، مردود اعلام می‌کند و بنابراین، ادعای متقابل نیروی دریایی نیز، به لحاظ فقد صلاحیت، رد می‌شود.

۸۰ - در مورد ادعای شماره نه/ قسمت اول، بندیکس اقلام را به کشتیرانی آریا تحویل داد و اقداماتی برای وصول وجه اعتبار اسنادی به عمل آورد. بنابراین، تردیدی نیست که این ادعا در ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده است.

ج - ماهیت

۸۱ - در مورد ادعای شماره نه/ قسمت اول، نیروی دریایی اظهار داشته است که مدرکی حاکی از اینکه بندیکس آخرین محموله اقلام را به کشتیرانی آریا تحویل و یا کلیه اسناد لازم را به چیس ارائه داده باشد، وجود ندارد. نیروی دریایی همچنین استدلال می‌کند که مدرکی دال بر اینکه اسناد لازم به بانک مرکزی ارسال شده باشد، وجود ندارد و در هر حال، نیروی دریایی مسوول قصور چیس در پرداخت از محل اعتبار اسنادی نبوده است. ولی بندیکس اظهار داشته است که نیروی دریایی قرارداد را نقض کرده، زیرا هیچگاه نکوشید به طریق دیگری، مانند ترتیب پرداخت وجه در خارج، پول بندیکس را بپردازد، یا حتی به بندیکس اطمینان دهد که نهایتاً وجه را خواهد پرداخت.

۸۲ - از طرف دیگر، دیوان ملاحظه می‌کند که بندیکس مدارک قانع کننده‌ای ارائه کرده است حاکی از اینکه محموله مورد اظهار را برای کشتیرانی آریا، نماینده حمل نیروی دریایی، فرستاده و این محموله در ۲۷ آذرماه ۱۳۵۸ [۱۸ دسامبر

۱۹۷۹] (۸) دریافت شده است. در چنین شرایطی، دیوان نیازی نمی‌بیند راجع به مساله نقض قرارداد تصمیم گیرد، زیرا صرفنظر از هر تصمیمی در این باره، دین تأدیه نشده‌ای باقی است و نیروی دریایی بابت تحویل اقلام موضوع ادعای شماره نه/ قسمت اول، مبلغ ۱۳۳،۵۵۶/۵۸ دلار آمریکا به بندیکس بدهکار است. در نتیجه، دیوان حکمی به این مبلغ، به علاوه بهره متعلقه به نرخ عادلانه ۱۰/۵ در صد در سال، از ۱۲ دیماه ۱۳۵۸ [دوم ژانویه ۱۹۸۰]، یعنی تاریخی که چیس وصول اسناد لازم را برای برداشت از محل اعتبار اسنادی اعلام کرده، به نفع بندیکس صادر می‌کند.

هشتم - هزینه‌ها

۸۳ - هریک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

نهم - حکم

۸۴ - به دلایل پیش گفته،

دیوان به شرح زیر حکم می‌دهد :

(الف) خوانده، شرکت پشتیبانی و نوسازی هلیکوپتر ایران ملزم است مبلغ یکصد و بیست و یک هزار و پانصد و چهل و نه دلار و سی سنت (۱۲۱،۵۴۹/۳۰) دلار آمریکا، به علاوه بهره ساده متعلقه، به نرخ ۱۰/۵ درصد در سال (بر اساس ۳۶۵ روز)، از اول فروردین ماه ۱۳۵۸ [۲۱ مارس ۱۹۷۹] تا پایان روزی که کارگزار امانی دستور پرداخت محکوم به را از محل حساب تضمینی به بانک امین صادر کند، به

(۸) دیوان همچنین ملاحظه می‌کند که نیروی دریایی ظاهراً در تاریخ نامعلومی، به مانده استفاده نشده اعتبار اسنادی دسترسی پیدا کرده است.

خواهان، بندیکس اینترنشنال سرویس کورپوریشن بپردازد.

(ب) خوانده، صنایع هواپیمایی ایران ملزم است مبلغ پنجهزار و ششصد و هفده دلار و بیست و چهار سنت (۵،۶۱۷/۲۴ دلار آمریکا) به علاوه بهره ساده متعلقه، به نرخ ۱۰/۵ درصد در سال (بر اساس ۳۶۵ روز) از ۱۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ [اول فوریه ۱۹۷۹] تا پایان روزی که کارگزار امانی دستور پرداخت محکوم به را از محل حساب تضمینی به بانک امین صادر کند، به خواهان، بندیکس کورپوریشن بپردازد.

(ج) خوانده، نیروی هوایی ایران ملزم است مبلغ نوزده هزار و ششصد و نود دلار و پنجاه و هفت سنت (۱۹،۶۹۰/۵۷ دلار آمریکا) به علاوه بهره ساده متعلقه، به نرخ ۱۰/۵ درصد در سال (بر اساس ۳۶۵ روز) از ششم بهمن ماه ۱۳۵۷ [۲۶ ژانویه ۱۹۷۹] تا پایان روزی که کارگزار امانی دستور پرداخت محکوم به را از محل حساب تضمینی به بانک امین صادر کند، به خواهان، بندیکس کورپوریشن بپردازد.

(د) خوانده، نیروی دریایی ایران ملزم است مبلغ یکصد و سی و سه هزار و پانصد و پنجاه و شش دلار و پنجاه و هشت سنت (۱۳۳،۵۵۶/۵۸ دلار آمریکا) به علاوه بهره ساده متعلقه، به نرخ ۱۰/۵ درصد در سال (بر اساس ۳۶۵ روز) از ۱۲ دیماه ۱۳۵۸ [دوم ژانویه ۱۹۸۰] تا پایان روزی که کارگزار امانی دستور پرداخت محکوم به را از محل حساب تضمینی به بانک امین صادر کند، به خواهان، بندیکس کورپوریشن بپردازد.

(ه) تعهدات مندرج در بندهای (الف) تا (د) فوق‌الذکر، با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح به موجب بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ایفاء خواهد شد.

(و) ادعای شماره دو و ادعای متقابل مبتنی بر قرارداد مورد اختلاف در ادعای شماره دو، به لحاظ فقد دلیل رد می شوند. قسمت باقیمانده ادعای متقابل مطروح در برابر ادعای شماره دو و همچنین ادعای متقابل خواهان، به لحاظ فقد صلاحیت رد می شوند.

(ز) ادعاهای شماره پنج، هفت، هشت و ده، به لحاظ فقد دلیل مردود اعلام می شوند.

(ح) ادعای متقابل نیروی هوایی در ماهیت رد می شود.

(ط) قسمت دوم ادعای شماره نه و ادعای متقابل مطروح در برابر ادعای شماره نه، به لحاظ فقد صلاحیت رد می شوند.

(ی) هر یک از طرفین باید هزینه های داوری مربوط به خود را متقبل شود.

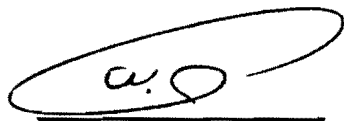
(ک) بدینوسیله حکم حاضر برای ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می شود.

لايه، به تاريخ ۲۵... خرداد ۱۳۶۷ برابر با ۱۵... ژوئن ۱۹۸۸



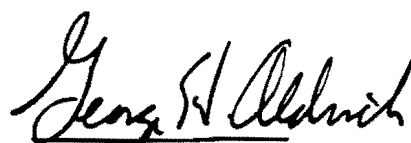
روبرت برینر
رئیس شعبه دو

بنام خدا



حمید بهرامی احمدی

Concurring in parts
Dissenting in parts
براقی در قسمتی - مخالف در قسمتی



جرج اچ. آلدريج